

زاله غزالی

با عفو و عجز سلامت و عزم

گفتن بسیار دردم ، اما دوست نوشتن برایم نیست . رفیق ما باشد . دریا بفرستم
در آن ایام که نامه را از دستم بگیرد . من در ضمن ترا بطور برابر غزالی چون زال به من توام آنطور که
می خواهم بنویسم . به سلام آتفا و کنم .

ضمیمه نامه ها غزال از زندان است . تقیب نکنم که نرسد ایضا کرده . ادرا
در خانه از کودکی نرسد صد زده اند . "ما" او را نرسد و بعد غزال !

در بر من نرسد است که برایش نامه نداشته است . نامه اگر او را بخواند و
در این بنام بنامید . علی ط این نامه را به کسی نشان ندهید . کس حقیقت خود نامست
اما ایضا و آزادی و بیگانهات در برابر لازم دیدید حفظ بگیرید . خدا قسم ایضا نرسد از شما
نیکو کنم چون شما نرفت و نشدید . اما تا حفظ بگیرید . شرف نامه شماره د... را
ببرید هم چون نامه بردند و دکترش بود .

زاله خاک . شو غزال در قفس راهی تحریریه دفتر آرزو دادید بدون
اینکه ما در غزال را بدانند با شوق زیر چاپ بردند . (در آفرین نامه که هنوز
بدست خودم نرسیده) . در اولین فرصت برایتان می فرستم . هفته آینده به بار توزیع آماده
می شود . انکار سالان آماده بود بایستی نرسد دم

از خط ضرورتی و تند نوشتن نامه بفرستید

پرسید غزالیان را سلام می رسانم .

دستورالعمل ^{ماده} است شده که مرا هنوز در این بنام نگه دارند . تمام نامه های من تا سرتیبه
به شدت می آید اما مطمئن نیستم . امکان دارد در خصوص بدین بیان بیاید . ازاد و تیرانی

تاریخ آماده را ببرید . بایستی دیدار ^{محمد} ۲۱ تیر ۷۵